## رونمایی از میراث ماندگار علامه جعفری

آیین رونمایی از آثار ارزشمند مرحوم علامه محمدرضا جعفری با حضور جمعی از فرهیختگان در کانون اسلامی انصار برگزار شد. در این مراسم، مسئولان بنیاد فرهنگ جعفری به تشریح روند صیانت از میراث علمی ایشان پرداختند. حجت‌الاسلام سیدعلی روحانی با اشاره به نقش آیت‌الله علوی بروجردی در تاسیس این بنیاد، بر جایگاه کتابخانه تخصصی و تدوین ۴۸ عنوان اثر تاکید کرد. وی تبدیل بنیاد به مرکز مرجع تربیت پژوهشگران مکتب اهل بیت(ع) را چشم‌انداز اصلی این نهاد دانست. در ادامه، حجت‌الاسلام اسدی به دشواری‌های تدوین آثار، از جمله استخراج مطالب از هزاران فیش تحقیقاتی و صدها نوار صوتی و تصویری اشاره کرد. وی از انتشار قریب‌الوقوع خاطرات علامه و مجموعه دروس مهدویت خبر داد که با روشی بدیع به شبهات پاسخ می‌گوید. علامه جعفری با تسلط بر تاریخ اسلام و کلام، آثاری چون کتاب «اسماعیلیه» و پژوهش‌های تطبیقی در احادیث مهدویت را به یادگار گذاشته است. این بنیاد با برگزاری دوره‌های تخصصی، در پی استخراج دقیق روش پژوهشی این عالم متواضع و معرفی چهره حقیقی اسلام به جهانیان است. نوآوری در تدوین و دقت در مستندسازی، از ویژگی‌های بارز نشر آثار این اندیشمند گمنام و فرزانه است.



جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۵ شماره ۷۳۴۰

# افشای پهلوی در لفافه کمدی

**تاکسیدرمی به واکاوی سقوط اخلاقی فردی می‌پردازد که در بحرانی‌ترین لحظات زوال خود، بقای فردی را با میراث ملی معامله می‌کند**





امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

سینمای تاریخی در ایران همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده که مهم‌ترین آن ذائقه مخاطب است چراکه این ذائقه طی سال‌های اخیر به‌سمت کمدی‌های بدنه و تجاری سوق پیدا کرده که پیوند میان تاریخ و سرگرمی را دشوار می‌سازد. در این میان، فیلم «تاکسیدرمی» به کارگردانی محمد پایدار مسیری متفاوت را برگزیده است. این فیلم نه یک اثر تاریخی کلاسیک و عصاقورت داده است، نه یک کمدی صرف برای خنداندن لحظه‌ای بلکه اثری است که تلاش می‌کند با بهره‌گیری از ساختارهای روایی پست‌مدرن، برگی نادیده از تاریخ معاصر ایران را ورق بزند. تاکسیدرمی سراغ واقعه‌ای می‌رود که شاید بسیاری از ما از آن بی‌اطلاع باشیم؛ واقعه‌ای که در روزهای پرالتهاب منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی رخ می‌دهد و شخصیت محوری آن فردی کمتر شناخته شده در افکار عمومی یعنی عبدالرضا پهلوی (برادر ناتنی محمدرضا پهلوی) است. انتخاب این شخصیت به خودی خود هوشمندانه است چراکه او برخلاف چهره‌های رده اول رژیم گذشته، سایه‌ای در حاشیه بود و همین حاشیه‌ای بودن، دست کارگردان را برای خلق یک فضای تخیلی و آمیخته با طنز در بستر واقعیت بازگذاشته است.

### معامله‌ای بر سر میراث ملی

داستان فیلم در روزهای پایانی سقوط رژیم پهلوی روایت می‌شود؛ زمانی که اعضای خاندان سلطنتی یکی پس از دیگری در حال ترک وطن هستند. عبدالرضا پهلوی در بن‌بستی گرفتار شده که هیچ سفارتخانه‌ای حاضر به پذیرش او نیست. در این میان، تنها رژیم صهیونیستی و سرویس امنیتی آن (موساد) پیشنهادی را روی میز می‌گذارند که هسته مرکزی درام فیلم را شکل می‌دهد: خروج امن از ایران در ازای قاچاق و انتقال گوزن زرد ایرانی به سرزمین‌های اشغالی. این پیرنگ، علاوه بر جنبه‌های سیاسی، ابعادی زیست‌محیطی و ملی به اثر می‌بخشد. فیلمساز از دل یک موقعیت مستند تاریخی، بستری برای نقد برخی شخصیت‌های تاریخی فراهم می‌آورد که در حساس‌ترین لحظات حیات سیاسی خود، دست به تاراج میراث طبیعی کشور می‌زنند. اینجاست که کمدی سیاه فیلم متولد می‌شود. تضاد میان عظمت ادعایی یک شاهزاده و حقارت او در مسیر فرار در حالی که سرنوشت او به سرنوشت یک حیوان گره خورده است. گوزن زرد در اینجا صرفا یک موجود زنده نیست بلکه نمادی از روح سرزمین است که در گیرودار معاملات پشت‌پرده، قربانی زیاده‌خواهی‌ها و ترس‌های حاکمان می‌شود.

### ساختارشکنی روایی

آنچه تاکسیدرمی را از آثار مشابه متمایز می‌کند، جسارت محمد پایدار در انتخاب یک فرم پست‌مدرنیستی برای روایت است. فیلم با آگاهی از این‌که مخاطب امروز ممکن است در برابر شعارهای مستقیم تاریخی گارد داشته باشد، ساختار روایت خطی را می‌شکند. استفاده از رفت و برگشت‌های زمانی در یک‌سوم ابتدایی فیلم تمهیدی است تا ذهن مخاطب را به چالش بکشد. این پراکندگی زمانی، به نوعی بازتاب‌دهنده آشفتگی ذهنی شخصیت اصلی و فضای متشنج جامعه در سال ۵۷ است. اگرچه در نسخه نهایی که در حال اکران است سکانس‌های بازی فرزین محدث حذف شد تا تمرکز بر جهش‌های زمانی بیشتر شود اما همچنان ردپای این آشفتگی تعمدی در تدوین دیده می‌شود. پست‌مدرنیته در این فیلم به معنای بازی با واقعیت و رویاست. ما تنها با یک روایت خشک تاریخی روبرو نیستیم بلکه به درون ذهنیت متوهم شخصیت اصلی نفوذ می‌کنیم؛ جایی که مرز میان واقعیت و فراواقعیت فرو می‌ریزد و تاریخ به شکلی گروتسک بازخوانی می‌شود.

### کابوس‌های یک شاهزاده

یکی از درخشان‌ترین وجوه پست‌مدرنیستی فیلم، سکانس‌های ذهنی و سوررئال آن است. نمونه بارز این تداخل، سکانس تاجگذاری عبدالرضا پهلوی در یک کنیسه است؛ جایی که او در مقابل موجوداتی با بدن انسان و سر حیوان ایستاده است. این تصویرسازی‌های نمادین، علاوه بر ارتقای سطح بصری فیلم، به‌خوبی بیانگر فروپاشی روانی و اخلاقی شخصیتی است که در حال سقوط است. در این سکانس کارگردان به‌جای استفاده از دیالوگ‌های طولانی، با استفاده از زبان تصویر، حقارت و مسخ‌شدگی شخصیت‌ها را به رخ می‌کشد. گفت‌وگوی درونی او با گوزن زرد ایرانی نیز در همین راستا قرار می‌گیرد؛ گویی حیوان، وجدان بیدار یا آینه‌ای است که پوچی قدرت را به شاهزاده یادآوری می‌کند. محمد پایدار با استفاده از این عناصر، فیلم را از سطح یک کمدی آپارتمانی یا تاریخی صرف فراتر برده و به لایه‌های عمیق‌تر روان‌شناختی نزدیک می‌کند.

### وقتی کمدی با اکشن و ماجراجویی می‌آمیزد

تاکسیدرمی نمونه‌ای موفق از التقاط ژانری است. فیلم با کمدی تاریخی آغاز می‌شود اما در میانه راه، به‌ویژه در سکانس‌های جنگل تغییر ماهیت می‌دهد. تقابل شخصیت‌ها با خرس در دل جنگل، فیلم را به سینمای اکشن و ماجراجویی نزدیک می‌کند که با جلوه‌های ویژه میدانی و بصری باکیفیت همراه شده است. کارگردان به‌خوبی توانسته توازن میان هیجان و خنده را حفظ کند. بلافاصله پس از آن، با یک سکانس تعقیب و گریز جاده‌ای روبه‌رو می‌شویم که استانداردهای سینمای پلیسی و مافیایی را بازسازی می‌کند. این جابه‌جایی بین ژانرها، ویژگی ذاتی آثار پست‌مدرن است که مانع از خستگی مخاطب می‌شود و او را مدام در وضعیت غافلگیری نگه می‌دارد. ارجاعات سینمایی نیز نمک این روایت است. به‌طور مشخص دیالوگ معروف فیلم پاپیون که از زبان عبدالرضا پهلوی پس از سقوط در رودخانه شنیده می‌شود (لعنتی‌ها، من هنوز زنده‌ام!) شوخی هوشمندانه‌ای است که هم به تاریخ سینما ادای دین می‌کند و هم وضعیت رقت‌بار و در عین حال مضحک شخصیت را به استهزا می‌گیرد. این ارجاعات نشان از تسلط کارگردان به زبان بین‌المللی سینما دارد.

### تیم بازیگری و یک کمدی سالم

موفقیت تاکسیدرمی در اجرای کمدی، مدیون مثلث بازیگری حسن معجونی، هادی کاظمی و مجید صالحی است. حسن معجونی با بهره‌گیری از تکنیک‌های بازیگری تئاتر و استفاده از میمیک‌های کنترل‌شده شخصیتی را خلق کرده که در عین بلاهت، ترحم‌برانگیز و در عین حال منفور است. او به‌خوبی توانسته مرز میان یک شخصیت تاریخی و یک کاراکتر کمیک را حفظ کند. هادی کاظمی و مجید صالحی نیز با درک درست از فضای پست‌مدرن فیلم، از غلوهای همیشگی کمدی‌های تجاری فاصله گرفته و به‌سمت کمدی موقعیت حرکت کرده‌اند. فیلم برخلاف بسیاری از کمدی‌های سال‌های اخیر سینمای ایران، به لودگی و شوخی‌های سخیف متوسل نمی‌شود. شوخی‌ها در دل موقعیت و براساس تضادهای شخصیتی و تقابل‌های فرهنگی شکل می‌گیرند. این کمدی سالم و محترمانه باعث می‌شود فیلم به اثری مناسب برای تمامی طیف‌های سنی تبدیل شود، بدون آن‌که از تندوتیزی نقد سیاسی-اجتماعی‌اش کاسته شود.

### اعجاز بصری در خدمت روایت

نمی‌توان از تاکسیدرمی سخن گفت و به کیفیت جلوه‌های ویژه بصری آن اشاره نکرد. در سینمای ایران که معمولا به‌دلیل محدودیت‌های بودجه، باضعف در بخش جلوه‌های ویژه مواجه است، این فیلم توانسته در سکانس‌های مواجهه با خرس و طراحی گوزن زرد ایرانی، یک خروجی باورپذیر و در سطح استانداردهای جهانی ارائه دهد. ظرافت در طراحی حیوانات و ادغام آنها با محیط واقعی جنگل، نشان‌دهنده یک پیشرفت تکنیکال جدی در سینمای ماست. همچنین طراحی موجودات نیمه‌انسان-نیمه‌حیوان در سکانس‌های رویایی، از منظر هنری و خلاقیت فنی، گامی رو به جلو محسوب می‌شود.

### قربانی قضاوت‌های زودهنگام

فیلم تاکسیدرمی در جریان جشنواره چهل و سوم فجر، آن‌گونه که شایسته بود دیده نشد و مورد بی‌مهری قرار گرفت. بخشی از این بی‌توجهی ناشی از گارد منفی اهالی رسانه و برخی منتقدان نسبت به آثار کمدی-تاریخی است که به دوران معاصر می‌پردازند. بسیاری از منتقدان به‌دلیل عدم آشنایی با ظرافت‌های ساختارهای پست‌مدرنیستی یا داشتن پیش‌فرض‌های سیاسی صلب، فیلم را متهم به شعارزدگی کردند اما نگاهی عمیق‌تر و فنی نشان می‌دهد که تاکسیدرمی اتفاقا مسیری برعکس را طی می‌کند. این فیلم با زبان هجو و نمادگرایی به‌دنبال روایت است؛ روایتی از یک فاجعه ملی و زیست‌محیطی در بستر یک دگرگونی بزرگ سیاسی. محمد پایدار با اولین ساخته بلند خود ثابت کرد که می‌توان تاریخ را با زبانی نو، جسورانه، تکنیکال و در عین حال سرگرم‌کننده بازگو کرد. تاکسیدرمی فیلمی است که برای درک لایه‌های زیرین آن باید عینک پیشداوری را برداشت. این اثر نه‌تنها یک فیلم کمدی بلکه بیانیه‌ای هنری درباره هویت، غارت و بقاست؛ ادای دینی به تاریخ نادیده ایران و میراثی که در تلاطم طوفان‌های سیاسی، تا مرز نابودی پیش رفت اما در حافظه جمعی ما باقی ماند. این فیلم شایسته آن است که به‌عنوان یکی از تجربه‌های فرمی متفاوت سینمای ایران در دهه اخیر، بارها دیده و تحلیل شود.

## یادداشت

محمدجعفر محمدزاده | نویسنده و پژوهشگر

### هزار سال پس از فردوسی
### بازسازی علمی متن شاهنامه

در میان نسخه‌ها و تصحیح‌های گوناگون شاهنامه، معتبرترین و علمی‌ترین متنی که امروز در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دارد، تصحیح زنده‌یاد استاد جلال خالقی مطلق است. این تصحیح حاصل چند دهه پژوهش مستمر بر پایه کهن‌ترین و معتبرترین دستنویس‌های شناخته‌شده شاهنامه، به‌ویژه نسخه مشهور فلورانس، و مقابله آن با ده‌ها نسخه دیگر است. منابع داستان‌های ملی ایران تا اندازه زیادی شناخته‌شده‌اند و فردوسی خود در بخش‌های مختلف شاهنامه به منابع و مآخذ کار خویش اشاره کرده است. این امانتداری در نقل روایت‌ها، یکی از ویژگی‌های برجسته شاهنامه و از جمله ارزش‌های بزرگ فردوسی به‌شمار می‌رود.

پیش از سرایش شاهنامه فردوسی نیز آثاری با عنوان شاهنامه وجود داشته است؛ از جمله شاهنامه ابوعلی بلخی، شاهنامه ابوالمؤید بلخی، شاهنامه ابومنصوری و شاهنامه دقیقی توسی. از دو شاهنامه نخست جز اشاره‌هایی پراکنده در منابعی چون «آثارالباقیه» چیزی برجای نمانده است. از شاهنامه ابومنصوری که به نثر بوده، تنها مقدمه‌ای کوتاه اما بسیار ارزشمند در دست است و از شاهنامه دقیقی نیز که با مرگ نابهنگام شاعر ناتمام ماند، حدود هزار بیت شناخته شده است. فردوسی در دیباچه شاهنامه از دو اثر اخیر یاد می‌کند. بنیاد همه این آثار و نیز شاهکار فردوسی بر خدای‌نامه‌های پهلوی استوار بوده است؛ آثاری که تاریخ و روایت‌های ملی ایران را در خود جای داده بودند. گفته‌اند که عبدالله‌بن‌مقفع بخشی از این میراث را به عربی ترجمه کرده بود اما از متن اصلی آنها اثری در دست نیست.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید




جام جم

## هویت اصیل نقالی در عصر مدرن

**نقالی مدرن باید «چهره رحمانی» امام علی(ع) را بازخوانی کند**

همزمان با گسترش فناوری‌های نوین و تغییر شیوه‌های روایت در هنرهای آیینی، جمعی از پژوهشگران و هنرمندان این حوزه نسبت به خطر فاصله‌گرفتن روایت‌های علوی از اصالت تاریخی هشدار می‌دهند؛ خطری که به‌اعتقاد آنان می‌تواند چهره واقعی و انسانی شخصیت‌های دینی را زیر سایه اغراق‌ها و روایت‌های احساسی پنهان کند.

مهدی صفاری‌نژاد، استاد دانشگاه و پژوهشگر نمایش‌های ایرانی، در گفت‌وگویی با تاکید بر ضرورت حفظ هویت اصیل نقالی و پرده‌خوانی در دوران مدرن اظهار کرد: هنر نقالی پیش از هر چیز بر قدرت روایت‌گری و خلاقیت فردی استوار است و نباید اجازه داد ابزارهای تکنولوژیک جای جوهره اصلی این هنر را بگیرند. او با اشاره به چالش‌های روایت واقعه غدیر و داستان‌های علوی افزود: امروز نقال باید بتواند میان جذابیت هنری و وفاداری تاریخی تعادل برقرار کند؛ چرا که هرگونه اغراق یا تحریف، تصویر واقعی شخصیت‌های تاریخی را مخدوش می‌کند.

این پژوهشگر با بیان این‌که «شخصیت‌های تاریخی انسان‌های واقعی بوده‌اند، نه قهرمانان افسانه‌ای»، تاکید کرد: جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند شنیدن روایت‌هایی از جنس مهربانی، عدالت و رأفت علوی است و هنر نقالی می‌تواند بستری برای معرفی چهره رحمانی امام علی(ع) به نسل جدید باشد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید